

## یک حرف و هزار حرف

بالاترین مصیبتی که  
بر اسلام وارد شد



بالاترین مصیبتی که بر اسلام وارد شد، همین مصیبت سلب حکومت از حضرت امیرؑ بود؛... مصیبت وارده بر امیرالمؤمنین و بر اسلام بالاتر است از آن مصیبتی که بر سیدالشهداؑ وارد شد. اعظم مصیبت‌ها این مصیبت است که نگذاشتند مردم بفهمند اسلام یعنی چه... الان هم نمی‌دانند مردم که معنی اسلام چیست، حکومت اسلامی چیست، اسلام چه می‌خواسته بکند، چه برنامه‌ای اسلام داشته است در حکومتش. این پنج سال حکومت، یا پنج شش سال حکومت حضرت امیر، این با همه گرفتاری‌هایی که بوده است و با همه زحمت‌هایی که از برای حضرت امیر فراهم شد، سلیش عزای بزرگ است، و همین [دوره] پنج ساله و شش ساله، مسلمانی تا به آخر باید برایش جشن بگیرند؛ جشن برای عدالت، جشن برای بسط عدالت، جشن برای حکومتی که اگر چنانچه در یک طرف از مملکتش، در یک جای از مملکتش، برای یک معاهد\* - یک زن معاهد-

یک زحمت پیش بیاید، یک خلخال از پای او درآورند، حضرت، این حاکم، این رئیس ملت، آرزوی مرگ بکند، که مرگ برای من - مثلاً - بالاتر از این است که در مملکت من یک نفر زنی که معاهد هست خلخال را از پایش درآورند. این حکومت حکومتی است که در رفتن مردم باید به عزا و سوگواری بنشینند و برای همان پنج روز و پنج ساله حکومتش باید جشن بگیرند؛ جشن برای عدالت، جشن برای خدا، جشن برای اینکه این حاکم حاکمی است که با ملت یک‌رنگ است بلکه سطحش پایین‌تر است از زندگی؛ سطح روحی‌اش بالاتر از همه آفاق است، و سطح زندگی‌اش پایین‌تر است از همه ملت.

\* اشاره امام به ماجرای حمله عوامل معاویه در زمان حکومت علیؑ به شهر انبار است که در آن یکی از سربازان معاویه خلخال زنی غیر مسلمان را از پایش در آورد.

ما شیعیان و پیروان اهل بیت، هزاران بار خدا را شکر می‌گذاریم که چشم ما را به این حقیقت باز کرد، دل ما را پذیرای این حقیقت کرد، ما را در محیط‌هایی به دنیا آورد و پرورش داد که این حقیقت در آن محیط‌ها جا افتاده بود؛ این‌ها خیلی نعمت‌های بزرگی است.

یک نکته‌ای که در کنار این لازم است پیروان اهل بیت و نیز همه مسلمانان در نظر داشته باشند، این است که: ما از حادثه و واقعه غدیر - که نشانه عظمت اسلام و جامعیت اسلام است - به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف اسلام استفاده نکنیم. این را من بالخصوص امروز و این روزها موظفم و مقیدم که به همه ملت عزیزمان و همه مسلمان‌ها در هر نقطه دنیا عرض بکنم که مراقب باشند امروز برای تضعیف اسلام، دشمنان به دنبال همین نقطه خاص، همین چیزی که منشأ عظمت اسلام است، هستند؛ یعنی مسئله شیعه و سنی، قبول غدیر و انکار غدیر. دشمن می‌خواهد مسئله غدیر را یک مایه برادرکشی و جنگ و خونریزی قرار بدهد؛ در حالی که غدیر می‌تواند وسیله اتلاف و برادری مسلمان‌ها با هم باشد. مرحوم شهید مطهریؑ قبل از انقلاب یک مقاله مفصلی درباره کتاب الغدير علامه امینی نوشتند و ثابت کردند که الغدير علامه امینی، وسیله وحدت مسلمین است. بعضی خیال می‌کردند کتاب الغدير ممکن است مایه افتراق بشود. ایشان می‌گویند اگر درست فکر کنیم، درست عمل کنیم و سنجیده پیش برویم، کتاب الغدير مایه وحدت دنیای اسلام است. برادران اهل سنت ما هم می‌توانند در یک محیط خالی از پیش‌داوری به منابع غدیر مراجعه کنند؛ یا می‌پذیرند، یا نمی‌پذیرند. در هر دو صورت، چه بپذیرند و چه نپذیرند، این معنا مسلم است که قضیه غدیر هیچ‌گونه جنگ و دعوایی بین پذیرنده و نپذیرنده به وجود نمی‌آورد و اختلافات را ایجاد نمی‌کند.



غدیر، عید اتلاف و برادری

عدی بن حاتم نزد معاویه آمد در حالی که سال‌ها از شهادت مولا گذشته بود. معاویه می‌دانست که عدی یکی از یاران قدیمی مولا است. خواست کاری بکند که این دوست قدیمی بلکه یک کلمه علیه حضرت سخن بگوید. گفت عدی! پسرانت چه شدند؟ (عدی سه پسر داشت که در سنین جوانی در رکاب حضرت در جنگ صفین کشته شده بودند...) عدی گفت در رکاب مولایشان علی با تو که در زیر پرچم کفر بودی جنگیدند و کشته شدند. گفت عدی! علی درباره تو انصاف نداد. گفت چطور؟ گفت پسران خودش را نگهداشت و پسران تو را به کشتن داد. عدی گفت: معاویه! من درباره علی انصاف ندادم، نمی‌بایست علی امروز در زیر خروارها خاک باشد و من زنده باشم. ای کاش من مرده بودم و علی زنده می‌ماند. معاویه دید تیرش کارگر نیست. سبک این مرد این بود که وقتی می‌دید کارش با خشونت پیش نمی‌رود، لین می‌شد. گفت: عدی! الان دیگر کار از این حرف‌ها گذشته است. دلم می‌خواهد چون تو زیاد با علی بودی یک‌قدری کارهایش را برایم توصیف بکنی که چه می‌کرد. گفت معاویه! مرا معذور بدار. گفت نه حتما باید بگویی. عدی گفت حالا که می‌خواهی بگویم آنچه را که می‌دانم می‌گویم. نه اینکه مطابق میل تو سخن بگویم بلکه حقیقت را می‌گویم. گفت بگو. این مرد شروع کرد به صحبت کردن درباره علی. گفت یکی از خصوصیات او این بود. مردی بود که علم و حکمت از اطرافش می‌جوشید. معاویه! علی آدمی بود که در مقابل ضعیف، ضعیف بود و در مقابل ستمکاران نیرومند. با اینکه در میان ما می‌نشست و هیچ تکیه نداشت و بدون امتیاز می‌نشست اما خدا یک هیبتی

از او دل مردم قرار داده بود که بدون اجازه او نمی‌توانستیم حرف بزنیم و... بعد گفت معاویه! من می‌خواهم منظره‌ای را که به چشم خود دیدم برایت بگویم. در یکی از شب‌ها علی را در محراب عبادت دیدم. دیدم مستغرق خدای خودش است و محاسنش را به دست مبارک گرفته می‌گوید:



دنیا عقیم است  
که مانند علیؑ بزیاید

آه از این دنیا و آتش‌های آن. می‌گفت یا دنیا! غری غری. آن چنان عدی علی را وصف کرد که دل سنگ معاویه تحت تأثیر قرار گرفت به‌طوری که با استینش اشک‌های صورتش را پاک می‌کرد. آن وقت گفت دنیا عقیم است که مانند علی بزیاید.

ولایت و امامت تنها عامل به سامان‌رسانی آیین اسلام است؛ اما به شرط ولایت‌پذیری امت. ولایت و امامت، یگانه محور وحدت، امنیت و عدالت است؛ اما به شرط همراهی و همدلی است. ای صفاقسوس، اگر امت، امامت را قدر نشناسد و آن را تنها واگذارد!

ای دوصد افسوس اگر امت، طواف کعبه ولایت، این یگانه‌ترین محور عزت را واگذارد و به جمرات شیطان، این ننگین‌ترین محور ذلت، روی آورد!

از همین روست که صدیقه طاهرهؑ در آن بی‌نظیر خطبه حکمت‌آموز می‌فرمایند:

به خدا سوگند اگر پای در میان می‌نهادند و علیؑ را بر کاری که پیغمبرؐ به او وانهاده بود یاری و همراهی می‌کردند، آسان آسان ایشان را به راه راست می‌برد و حق هر یک را بدو می‌سپرد؛ چنان‌که کسی زبانی نبیند و هر کس میوه آن‌چه کشته است، بچیند.

این شتر را سالم به مقصد می‌رساند و حرکتش برای کسی رنج‌آور نبود. تشنگان عدالت را از سرچشمه سرشار زلال حقیقت سیراب می‌کرد؛ چشمه‌ای که آب زلال آن فواره‌زنان از هر طرف جاری است که هرگز رنگ کدورت نپذیرد و همواره سیراب بوده، رنج تشنگی نبیند. و آن‌گاه بلافاصله به رمز وحدت‌بخشی، عدالت‌گستری و امنیت‌آوری ولایت اشاره می‌فرمایند:

اگر حق را به امام واقعی  
می‌سپردند....



اگر علیؑ که همواره در پنهان و آشکار نصیحت‌کننده مردمان بود، به خلافت می‌رسید، از اموال بیت‌المال برای خود ذخیره نمی‌نمود و از ثروت دنیا به اندازه نیاز برمی‌داشت؛ به اندازه آب اندکی که عطش را فرو نداشتند و طعام مختصری که رفع گرسنگی نماید.

در آن هنگام، زاهد از حریص به دنیا و راستگو از دروغگو باز شناسانده می‌شد. اگر مردم ایمان آورده، تقوا پیشه می‌ساختند و حق را به امام واقعی می‌سپردند، درهای رحمت از آسمان و زمین به روی آنان گشوده می‌گشت؛ اما دروغ گفتند و به زودی خدا به کیفر آنچه کرده‌اند، آنان را عذاب خواهد فرمود.